



انقلاب فرهنگی آغاز شد

با انتشار اطلاعی ۱۶ ماه مه ۱۹۶۶ حزب کمونیست چین از روز بعد انقلاب فرهنگی این کشور آغاز شد که مانو آن را برای دو سال پیش‌بینی کرده بود. هدف از این انقلاب اگر چه پاکسازی چین از بوروکراسی و فساد اداری اعلام شده بود اما عملا به ابزاری برای تسویه حساب با مخالفان مانو تبدیل شد.

گپ‌های روشنفکری

گفت‌وگوهایی درباره عقلانیت و نوگرایی محمد صادقی
نشر پایان
چاپ اول ۱۳۸۸
قیمت ۲۰۰۰ تومان



گفت‌وگو درباره عقلانیت و نوآوری عنوان مجموعه‌ای از گفت‌وگوها با صاحب‌نظران برجسته‌ای چون سیدحسین نصر، مصطفی ملکیان، همایون کاتوزیان، جان اسپیونو، محمدعلی اسلامی ندوشن و پرویز رجبی است که در مصاحبه‌هایی که توسط محمد صادقی (روزنامه‌نگار) در این زمینه انجام شده است، از زوایای مختلفی مساله عقلانیت و نوگرایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. صاحب‌نظران در گفت‌وگوهای خود تلاش کرده‌اند تا پاسخی بر این پرسش اساسی که لالاق از انقلاب مشروطه به این سو هم در افکار عمومی و هم در بین روشنفکران بیابند: مهم‌ترین موانع پیشرفت در جامعه ایران چیست؟ همایون کاتوزیان در خصوص روند حرکت به سوی مشروطه خواهان ۱۰۰ سال پیش گمان می‌کند که صرف استقرار قانون و حکومت قانونمند ایران را به پشت پرین بدل خواهد کرد. یعنی حتی آن دسته از مشروطه‌خواهانی که هدفهای گسترده‌تری برای تجدد اجتماعی و اقتصادی داشتند گمان می‌کنند که رهایی از استبداد و رسیدن به یک نظام قانونمند راه را برای آنچه تجدد و ترقی می‌پنداشتند به سهولت باز خواهد کرد حتی الفاظ قانون و آزادی را مترادف می‌دانستند. البته این بی دلیل نبود استبداد حکومتی خودسرانه بود که به هیچ نظم و قانونی مقید و مشروط نبود و در تحلیل نهایی قادر بود هر کاری را که در حیطه قدرتش بود انجام دهد. اساسی ترین مانع پیشرفت جامعه همین استبداد -حرج و مرج بود که فقط به روابط دولت و ملت محدود نمی شد بلکه در اعماق جامعه‌شناسی و روان‌شناسی فردی و اجتماعی کشور ریشه دوانده بود. به صورتی که ما در آنچه ورود به دنیای نو نامیده می‌شود تقریبا در همه موارد در سطح تجدد ماندم و به عمق آن دست نیاقتیم. در بخش دیگری از کتاب سیدحسین نصر پیرامون سنت عقلانیت و استدلال‌گرایی می‌گوید: گذشته‌شبه‌سنت‌گرایی به هیچ‌وجه استدلال‌گرایی نیست. بلکه عقل را به جنبه استدلالی فکر که فقط یکی از نیروهای عقل است محدود نمی‌کند. متفکران بزرگ سنتی ما همه در به کار بردن استدلال چیرگی داشتند ولی فلسفه را به صرف استدلال تقلیل نمی‌دانند. در نوشته‌های سنت‌گرایان معاصر نیز همین امر مشهود است چنانکه آشکارا در آثار گوناگون دیده می‌شود. ما مخالف استدلال نیستیم و حتی نمی‌گوییم پای استدلالیان چوبین بود تعریف کافی از اهمیت استدلال است. ولی ما قائلیم که عقل را امری است و عقل را نمی‌توان به استدلال محدود کرد.

ناامیدکننده بود



عزت‌الله فولادوند

نمایشگاه کتاب امسال را جایی بی‌نظم و سردرگم‌کننده دیدم که مخاطب را به مسیر درستی هدایت نمی‌کرد. انتظاری که از نمایشگاه برای ارائه بخش لاتین نمایشگاه کتاب رفته کتاب تازه‌ای ارائه نشده بود و غالبا کتاب‌هایی قدیمی از سوی ناشران در غرفه‌ها قرار گرفته بود. غرفه‌های نمایشگاه داخلی هم به لحاظ فضا و مکان ارائه شده بسیار در وضعیت نامناسبی بود و دیده می‌شد فضاهای بزرگی برای غرفه‌هایی که مخاطب اندک دارند اختصاص داده شده است.

بی‌مهتری

با ناشران فرهنگی



علیرضارجایی

وضعیت کتاب‌های ارائه شده به نمایشگاه مشخص است. در این قطعی مجوز دادن‌ها فکر نمی‌کنم کتابخوانی هم چندان رونقی داشته باشد. عنوان‌های جدید کتاب کمتر در نشرهای مختلف به چشم می‌خورد و غالبا ناشران مشغول تجدید چاپ نسخه‌های قدیمی کتاب‌های مجوز گرفته‌شان بوده‌اند. مشکل اخذ مجوز نیز به تبع فقدان تنوع و تازگی کتاب‌ها در این نمایشگاه دامن زده است. درباره وضعیت ناشران هم باید بگویم که به جز چند ناشری که از قدیم فعالیت می‌کردند و اوضاع پررونقی دارند اصولا اوضاع مطلوبی بر ناشران فرهنگی حاکم نیست و گویا هیچ سیاست حمایتی نیز وجود ندارد چنانچه ناشران قدیمی و پرکاری مانند اختران و آگه با مشکل حضور در نمایشگاه مواجه می‌شوند. نکته قابل توجه دیگری که در این نمایشگاه نظرم را جلب کرد افزایش آمار ناشرانی بود که در ماه‌های اخیر مدام در میان دوستان‌مان خبر ورشکستگی، تعطیلی و خاتمه کارشان را می‌شنویم و در این اوضاع و شرایط نمی‌دانم چطور می‌شود که آمار ناشران به جای کاهش افزایش می‌یابد. حضور ناشرانی از طیف‌های مختلف فکری و عقیده‌ای قطعا به کیفیت این نمایشگاه می‌افزاید اما می‌بینیم که نگاهی انحصاری بر حضور برخی ناشران خط‌پطلان می‌کشد و متأسفانه می‌بینیم که ناشرانی که در تلاش‌اند یک رویه فرهنگی خاص را در پیش بگیرند حمایت که نمی‌شوند هیچ شرایط برای حضورشان نیز در نمایشگاه دشوار می‌شود. سال گذشته غرفه نشر گام نو ۱۸ متر بود که امسال متراژ آن به ۹ متر کاسته شده و البته این در حالی است که ما در همسایگی‌مان ناشر تنها یک کتاب آشپزی داریم که مساحت مکانش با ما یکی است. البته من وقتی شرایط برخی از ناشران دیگر را می‌بینم که به مراتب شرایط بدتری دارند واقعا در این عبارت که این نمایشگاه به دنبال چیست می‌مانم. مسوولان می‌گویند که اختصاص متراژ بر اساس تیراژ و عنوان است. در حالی که شاید یک غرفه آموزشی چند برابر ما تیراژ کتاب داشته باشد و این ملاک درستی برای این تقسیم‌بندی نیست.

رای پارلمان به امپراتور

در چنین روزی در سال ۱۸۰۴ پارلمان فرانسه به امپراتوری ناپلئون بناپارت رای داد. ناپلئون به دنبال پیروزی‌هایی که در جنگ در ایتالیا، مصر و سوریه بود، محبوبیت و قدرت دست‌آورده بود. او پیش از انتخاب به امپراتوری با رای مستقیم مردم کنسول اول انقلاب شده بود.



روشنفکران به نمایشگاه نمی‌روند

نمایشگاه کتاب در تهران به روایت روشنفکران

آمنه شیرافکن



این روزها تمامی خطوط مترو و تاکسی منتهی به خیابان شهید بهشتی و مصلی با ترافیک و ازدحام جمعیت مواجه است. جمعیتی که از دور و نزدیک برای بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران آمده‌اند و امسال هم مانند دو سال پیش مصلای تهران میزبان اصلی برپایی این نمایشگاه است. بازدید روشنفکران و نویسندگان از آن رو با دیگر افراد متفاوت است که آنها غالبا از جنس دیگری اتفاقات پیرامون خود را تحلیل می‌کنند و اگر به دنبال کتاب‌اند از پیش می‌دانند که باید در شلوغی مصلای

رغبتهی برای رفتن نیست



سعیدحنایی کاشانی

کاتالوگ کتاب‌های نمایشگاه کتاب را برای دانشگاه می‌فرستند و از همین‌جا عنوان کتاب‌های ارائه شده را مطالعه می‌کنم. غالبا قدیمی‌اند و تکراری. حرف تازه‌ای نیست در نمایشگاه و من هم ترجیح ایجاد کتاب‌فروشی‌های کوچک‌تر را در داخل این‌باره طرحی سلامانده می‌شود آن‌وقت هم می‌توانیم علاقه‌مندی به کتب‌خوانی را در محیط‌های شهری افزایش دهیم و هم دسترسی به کتاب برای مخاطب سخت می‌شود. فکر می‌کنم راه‌اندازی فروشگاه‌های فروش کتاب‌های زنجیره‌ای طرح خوبی در این زمینه باشد. به هر حال آموذود به نمایشگاه این ایده را به من داد و همان‌جا هم با برخی از ناشران در نمایشگاه در میان گذاشتم که خوشبختانه آنها هم از طرح استقبال کردند.

مصلی بهتر است



کاوه‌میرعباسی

از زمانی که نمایشگاه به مصلی آمده است تفاوت خاصی در برگزاری دوره‌های مختلف آن ندیده‌ام اما در هر صورت برگزاری نمایشگاه در مصلی به لحاظ حمل‌ونقل کتاب و دسترسی بسیار راحت‌تر شده است. مثل همیشه در بدو ورود به نمایشگاه کتاب به سراغ کتاب‌های لاتین رفته و خوشبختانه در ساعاتی می‌شود تا این‌نابایی‌ها را نبینیم و دوباره راهی نمایشگاه شلوغ کتاب تهران شوم. اما امسال قضیه فرق کرد و ماجرا طور دیگری رقم خورد. پیش از اینکه راهی نمایشگاه کتاب شده باشم خبر آمد که چاپ ترجمه از کتاب میراد در نمایشگاه‌نوموجز شده و همین مرا دل‌سرد کرد وقتی که این کتاب دو بار در همین دولت‌نهم از ممیزی ارشاد گذشته بود و مجوز گرفته بود و یک شبه حکم لغو کتاب از سوی آقایان صادر شد. تمام میثار‌هایی برای آنچه باید باشد و نیست به هم خورد. دیگر رغبتهی برای رفتن به نمایشگاه کتاب نداشتیم و به همین خاطر رفتن به نمایشگاهی که همه چیز آن سلیقه‌ای بوده از تحریم کرد. دستمکم برای خودم.

تحریم کرده‌ام



لیلی‌گسسنان

هر سال به نمایشگاه می‌رفتم. هر سال در کنار آلودگی و کیفی نمایشگاه از دیدن آدم‌هایی که با اشتیاق برای خرید کتاب آمده‌اند لذت می‌بردم. حتی وقتی که بی‌نظمی و زشتی نمایشگاه ذهن مخاطب را می‌آزارد و هیچ نهاد و سازمانی، گویا به فکر جمع کردن زباله‌های راه شده در گوشه گوشه نمایشگاه کتاب نیست. با این حال لذت دیدن جوان‌هایی که برای خرید کتاب با اشتیاق می‌آمدند و آنها که برای خرید در صف می‌ایستادند موجب می‌شد تا این‌نابایی‌ها را نبینیم و دوباره راهی نمایشگاه شلوغ کتاب تهران شوم. اما امسال قضیه فرق کرد و ماجرا طور دیگری رقم خورد. پیش از اینکه راهی نمایشگاه کتاب شده باشم خبر آمد که چاپ ترجمه از کتاب میراد در نمایشگاه‌نوموجز شده و همین مرا دل‌سرد کرد وقتی که این کتاب دو بار در همین دولت‌نهم از ممیزی ارشاد گذشته بود و مجوز گرفته بود و یک شبه حکم لغو کتاب از سوی آقایان صادر شد. تمام میثار‌هایی برای آنچه باید باشد و نیست به هم خورد. دیگر رغبتهی برای رفتن به نمایشگاه کتاب نداشتیم و به همین خاطر رفتن به نمایشگاهی که همه چیز آن سلیقه‌ای بوده از تحریم کرد. دستمکم برای خودم.

در ترافیک ماندم



محمدمنعتی

کارت بخش خارجی کتاب به دستم بود اما شلوغی و ترافیک خیابان‌های منتهی به نمایشگاه کتاب را که دیدم تصمیم گرفتم تا به خانه برگردم. البته هر وقت هم که ریسک می‌کردم و پیش از این به نمایشگاه می‌رفتم آنقدر شلوغ بود که تقریبا دیدن کتاب‌های تازه و خرید آن امکان‌پذیر نبود. البته هر موقع که قصد دارم به نمایشگاه بروم از قبل عنوان‌های تازه را جست‌وجو می‌کنم تا کمترین وقت و انرژی تلف شود اما این روزها دیگر خیلی به رفتن به نمایشگاه فکر نمی‌کنم آنقدر ازدحام و شلوغی است.

فقدان کتابفروشی‌های شهری



زهارضایی

نمایشگاه را از این زوایه مثبت می‌بینم که مخاطب می‌تواند ویرتینی از کتاب‌های تازه را ببیند و در فضایی مانند نمایشگاه تعداد زیادی از کتاب‌ها به دوستان‌شان کتاب ارائه می‌شود. حالا اینکه کیفیت کتاب‌ها چطور

شمس آل احمد در اطلاعات

۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ شمس آل احمد برادر جلال به سمت سردبیر روزنامه اطلاعات تعیین و معرفی شد. روزنامه اطلاعات از شهریور ۱۳۵۸ که مسادره و ضمیمه بنیاد مستضعفان شده بود توسط یک شورای سردبیری منتخب اعضای تحریریه‌اش اداره می‌شد. مدتی قبل‌تر محمود دعایی به نمایندگی امام در این روزنامه منصوب شده بود.



کتاب فروشی‌های انقلاب بهترند



عباس کازمی

دو سه ساعتی بیشتر در نمایشگاه کتاب نبودم. با توجه به شلوغی بیش از اندازه ترجیح دادم نمایشگاه را ترک کنم. دلیل اصلی‌اش هم این است که فضای مصلی برای نمایشگاه طراحی نشده است. نکته دیگری که باید در نمایشگاه کتاب مورد توجه قرار گیرد این نکته است که خیلی از مخاطبان نمایشگاه برای گفت‌وگو و پرس‌و‌پرسی در نمایشگاه می‌آیند. اینجا قرار است یک عرصه عمومی برای تبادل نظر و شکل‌گیری گفت‌وگو باشد اما متأسفانه می‌بینیم که همان معدود ناشرانی که کتاب‌هایی گرفته‌اند که دسترسی به آنها بسیار دشوار است و تازه دسترسی هم که حاصل شود آنقدر ترافیک و ازدحام هست که موضوعی به نام گفت‌وگو میان مخاطب و نویسنده و ناشر به فراموشی سپرده می‌شود. اما در همین حال غرفه‌هایی در بهترین مکان‌ها و سرنیش قرار گرفته‌اند که هیچ مخاطبی ندارند و فضای خالی غرفه این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که چرا ناشران اندیشه‌های و فکری نباید در چنین فضاهایی امکان ارائه کتاب داشته باشند.

اما در بخش کتتاب خارجی هم کتاب‌ها فیلتر می‌شوند و چندان نمی‌توان دسترسی به کتاب‌های تازه و جدید را دلخوش کرد.

فکر می‌کنم یارانه‌ای که در حال حاضر دولت برای خرید کتاب لاتین می‌دهد بهتر است در قالب کارت خرید کتاب به افراد علاقه‌مند ارائه شود تا بتوانند کتاب‌های مورد علاقه و نیازشان را خریداری کنند.

نمایشگاه کتاب به نوعی ارائه کتاب‌های دستچین دولت است. انتظار این بود که نمایشگاه هر چه که می‌گذرد به سمت تخصصی‌تر شدن برود نه اینکه هر دم حضور ناشران کتاب‌های کنکور و پیام نور در نمایشگاه بیشتر شود و ناشران فرهنگی به حاشیه بروند. اعلام می‌کنند که حجم بازدید از نمایشگاه افزایش یافته، در حالی که آمار مطالعه در ایران همچنان عدد کوچکی است. ما نتوانستیم ترغیب به کتابخوانی را در ایران جای بیندازیم و بیهوده به‌دنبال اعلام آماری برای توجیه سیاست‌های اشتباه‌مان هستیم.

نمایشگاه کتاب تهران به لحاظ فرم و محتوا با آن پرس‌سزنی‌های فرهنگی فاصله گرفته و شکل نخیه‌گرایانه ایده‌های‌اش رونه زوال است.

اینجا چه خبر است



شهلا‌هاجی

سال پیش ۳۰ متر غرفه داشتیم برای بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب و حالا همان مساحت به ۱۵ متر مربع کاهش یافته است. فضای داخلی غرفه‌ها و به ویژه سیستم تهویه آنقدر بد است که به دشواری بعد از ساعت ۱۲ ظهر می‌شود در غرفه‌ها نفس کشید. مصلای تهران برای برگزاری نمایشگاه کتاب مناسب نیست و امکان اقامت جمعیت طولانی در اینجا وجود ندارد. ولی اتکار کسی دلش نمی‌خواد این شرایط ناسامان در مصلی سروسامان پیدا کند. این موضوع از آن جهت خطرناک است که نمایشگاه کتاب با این رویه از اعتبار خواهد افتاد و گویا که اراده‌ای در کار است تا نمایشگاه دیگر آن اقبال سابق را نداشته باشد.

همین چند شب پیش دوربین صداوسیما به میان غرفه‌ها می‌رفت و جالب آنکه حتی یک غرفه‌دار هم از شرایط موجود در نمایشگاه ابراز رضایت نمی‌کرد. می‌بینیم که در این نمایشگاه هم سیستم حذف برخی کتاب‌ها از دل نمایشگاه اعمال می‌شود گویا اینکه همه چیز اینجا سلیقه‌ای است و قرار نیست نوعی در کار باشد. بارها این را گفته‌ام که نمایشگاه کتاب ما بیش از آنکه نمایشگاه باشد فروشگاه است. حالا من نمی‌دانم چه قدرتی و با چه منطقی به خودش اجازه می‌دهد که برخی ناشران از جمله اختران و آگه را از این حق فروش کتاب و دسترسی به نقدی‌نگی منع کند. به هر حال بخش عمده اعتبار نمایشگاه کتاب به خاطر ناشرانی است که با علاقه و با وجود محدودیت‌های پیش‌رو به اینجا می‌آیند و اگر بخواهد این روند برخورد‌های سلیقه‌ای تداوم یابد شاید در نمایشگاه بعدی همین اندک تنوع موجود هم لحاظ نشود.

ظهور و افول کا.گ.ب در آمریکا

انتشار یک کتاب جدید، برگ دیگری از پرندهای جاسوسی شوروی سابق در انگلیس و آمریکا را فاش کرد. به گزارش ایسنا به نقل از روزنامه تلگراف، «لکساندر واسیلیف» ستون‌نویس روزنامه‌های کمونیست روسیه که بعد از فروپاشی شوروی توانست دسترسی قابل ملاحظه‌ای به اسناد کا.گ.ب داشته باشد در کتابی با عنوان «جاسوسان ظهور و افول کا.گ.ب در آمریکا» پرورده یکی از جاسوسان شوروی سابق را فاش کرد. «ریک» نام مستعار جاسوسی به نام «انگلیتر پرودا» فیزیکدان آتریشی و رابط سری کمونیست‌هاست که مدت زیادی در آزمایشگاه هسته‌ای «کوندیش» انگلیس مشغول به فعالیت بود. براساس صفحه از اسناد فوق سری پژوهش‌های امنی انگلیس و آمریکا را به شوروی‌ها می‌داد و یکی از بارزترین جاسوسان شوروی محسوب می‌شد. «ریک» به خاطر علاقه‌ای که به کمونیست‌ها داشت، هیچ‌چیزی در برابر جاسوسی دریافت نمی‌کرد و در چارچوب طرحی هسته‌ای با نام «پروژه آلیزه‌های لولهای» ۳ بار در هفته با رابط‌های شوروی ملاقات می‌کرد و اطلاعات خود را اختیار آنها قرار می‌داد. هویت واقعی «ریک» برای چندین دهه در معرض شک‌وت‌رتیدهای جدی قرار داشت ولی «لکساندر واسیلیف» در کتاب «جاسوسان ظهور و افول کا.گ.ب در آمریکا» با اسناد به اسناد معتبر و موقوث ثابت می‌کند که «ریک» نام مستعار ملاموری مخفی به نام «انگلیتر پرودا» است که در سال ۱۹۳۸ پس از الحاق آتریش به آلمان توسط هیتر از این کشور فرار کرد. واسیلیف در کتاب خود به جریان‌های مختلف جاسوسی «ریک» اشاره و با اسناد به اسناد مختلف ثابت می‌کند او همان «پرودا» است که چندین دهه درباره هویت او اختلاف‌نظر وجود داشته است.

